

بررسی تطبیقی وظایف والدین در قبال فرزندان در هفت سال اول زندگی از منظر اسلام و روانشناسی

هانیه ملکی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی وظایف والدین در قبال فرزندان در هفت سال اول زندگی از منظر اسلام و روانشناسی انجام شد. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای و مروری بر منابع نظری مرتبط صورت گرفت. هدف آن بود که با تبیین دیدگاه اسلام و روانشناسی در سه محور «حق حیات»، «حقوق پیش از تولد» و «حق آزادی»، نقاط اشتراک و تمایز این دو منظر روشن گردد. یافته‌ها نشان داد که در هر دو دیدگاه، والدین در حفظ حیات جسمی و روانی کودک، تأمین نیازهای اولیه و فراهم‌سازی محیطی امن و سالم برای رشد، مسئولیت داشتند؛ با این تفاوت که در اسلام، این مسئولیت‌ها جنبه الهی داشته و والدین در برابر خداوند پاسخ‌گو دانسته شده‌اند، در حالی که در روانشناسی، وظایف والدین در چارچوب اصول رشد و سلامت روانی کودک تحلیل شده‌اند. در زمینه حقوق پیش از تولد، دیدگاه اسلامی افزون بر جنبه‌های جسمی و روانی، به شکل‌گیری روح و سرنوشت کودک و میزان تأثیرگذاری والدین پیش از تولد نیز توجه داشت؛ در مقابل، روانشناسی به‌صورت مفصل به این موضوع نپرداخته بود. همچنین، در زمینه حق آزادی، هر دو دیدگاه بر اهمیت استقلال کودک در سال‌های آغازین تأکید داشتند؛ اما اسلام، آزادی و سیادت کودک را زمینه‌ساز ولایت‌پذیری او در آینده دانسته بود، در حالی که روانشناسی بر رشد خودمختاری و اعتمادبه‌نفس کودک تأکید کرده بود. در مجموع، نتایج نشان داد که دیدگاه اسلامی در کنار اصول روانشناسی، با نگاهی جامع‌تر به ابعاد روحی، معنوی و اخلاقی تربیت توجه کرده بود؛ ابعادی که در روانشناسی یا مورد غفلت قرار گرفته یا با این عمق و ظرافت بدان پرداخته نشده بود. با این حال، این دو رویکرد در بسیاری از موارد بررسی شده، یکدیگر را تأیید کردند.

^۱ طلبه سطح دو، حوزه علمیه بانوامین (ره)، تهران

کلیدواژه

اسلام، تربیت کودک، حقوق کودک، روانشناسی رشد، وظایف والدین،

مقدمه

در دنیای امروز که جامعه به سمت پیچیدگی‌های فزاینده و اشتغال گسترده والدین پیش می‌رود، تربیت صحیح فرزندان به یکی از دغدغه‌های اصلی خانواده‌ها تبدیل شده است. در این میان، والدین با نگرانی نسبت به آینده فرزندان خود، به دنبال بهترین شیوه‌های تربیتی هستند؛ اما در بسیاری موارد، به دلیل ناآگاهی از وظایف واقعی خود در قبال فرزند، ناخواسته دچار اشتباهات تربیتی می‌شوند که می‌تواند آثار بلندمدتی بر شخصیت کودک به جا بگذارد.

اسلام به عنوان دینی جامع‌نگر، توجه ویژه‌ای به تربیت کودک به‌ویژه در هفت سال نخست زندگی داشته و حقوق و وظایف والدین را در قالب‌های مختلف دینی، اخلاقی و تربیتی مطرح کرده است. از سوی دیگر، علم روانشناسی نیز با تکیه بر یافته‌های علمی و نظریه‌های رشد، اصول و قواعدی را برای شناخت بهتر نیازهای کودک و تعامل مناسب والدین با او ارائه می‌دهد.

ضرورت این پژوهش از آن جا ناشی می‌شود که تطبیق و تحلیل آموزه‌های دینی با یافته‌های علمی می‌تواند زمینه‌ساز تربیتی آگاهانه، هماهنگ و جامع شود؛ به‌ویژه در جوامعی مانند ایران که والدین هم به مبانی دینی متعهد هستند و هم از نظریات علمی بهره می‌گیرند. در واقع، ترکیب این دو رویکرد می‌تواند راهکاری عملی برای پاسخ به نیازهای واقعی کودک و چالش‌های دنیای امروز والدین ارائه دهد.

این تحقیق با هدف بررسی تطبیقی وظایف والدین در قبال فرزندان در هفت سال اول زندگی از منظر اسلام و روانشناسی انجام می‌شود. محورهایی مانند حق حیات، حقوق پیش از تولد و حق آزادی کودک، به عنوان ابعاد مهم این وظایف مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

سوال اصلی تحقیق این است که وظایف والدین در هفت سال اول زندگی کودک ، از منظر روانشناسی، چه شباهت و تفاوت هایی دارد.

پیشینه تحقیق

در زمینه وظایف والدین و تربیت کودک تالیفات گوناگونی به رشته تحریر درآمده اند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱) کتاب با عنوان (مسئولیت و سازندگی) تألیف علی صفایی حائری ۱۳۷۹ش . این اثر درمورد روش تربیتی اسلامی است. به عبارت دیگر این کتاب به روش های شناخت اسلامی، جهان بینی اسلامی، آرمان های اسلامی، استعدادها، روحیه ها و زمان مناسب سازندگی انسان پرداخته است. در این اثر تربیتی و آموزشی از موضوعاتی همچون مسئولیت و زیربناهای آن، تربیت، مفهوم و امکانات آن، مربی، دیدگاه ها، ویژگی ها و ضرورت ها سخن گفته شده است. که باهدف برطرف کردن برخی اشکالات موجود در فرایندهای تربیتی نوشته شده است. جلد نخست این کتاب ۸ فصل و جلد دوم آن ۲ فصل دارد.

۲) کتاب با عنوان (ریحانه بهشتی) اثر سیما میخبر ۱۳۹۶ش. این کتاب در زمینه ی برنامه ی اخلاقی، عبادی، پزشکی و تغذیه قبل از بارداری تا پایان شیردهی، دعاها و اعمال پدر و مادر از قبل از انعقاد نطفه تا آخرین ماه حاملگی را شامل میشود..

در آن عنوان هایی نظیر «همسرگزینی»، «اقدام به بارداری»، «دوران بارداری»، «وضع حمل»، «شیردهی» و «نکات تربیتی» بیان شده است.

۳) کتاب با عنوان (من دیگر ما) تألیف محسن عباسی ولدی ۱۳۹۹ش. این کتاب با نگاهی به اصول و مبانی دینی، تکنیک ها و مهارت های تربیت و پرورش فرزند در جهان کنونی را به روشی ساده و قابل درک به والدین می آموزد. هر کدام از جلد های مجموعه ی «من دیگر ما» بر مساله ی خاصی در تربیت کودک متمرکز شده اند و به طور کلی این هفت جلد در کنار هم، یک مجموعه ی راهبردی و کامل را در اختیار پدر و مادرها قرار می دهند. جلد نخست این مجموعه به مسائل و مشکلات تربیت فرزند در دنیای امروز می پردازد. در این جلد بر تاثیر رفتار والدین در پرورش کودک سخن گفته می شود و نشان می دهد که چطور تصاویر دریافتی از رفتار پدر و مادر در روحيات و خلییات فرزند اثر می گذارد. جلد دوم، اثرات محبت در تربیت فرزند را به

تصویر می کشد و جلد سوم، نقش بی بدیل آزادی را در تربیت آن ها نشان می دهد. این مجموعه در سیزده جلد به چاپ رسیده که در هر یک بحث مهم و کلیدی در تربیت فرزند با نگاه دینی و تربیتی پرداخته شده است.

۴) مقاله با عنوان (وظایف اخلاق و تربیتی والدین مهدی باور از منظر قرآن کریم) این نوشتار در پی پاسخ به این سوال است، نقش و وظایف والدین مهدی باور در برابر فرزندان چیست؟ که با استفاده از آداب دینی این وظایف بیان می گردد تا والدین با اطلاع از وظایف خود و عمل به آنها بتوانند نسل بهتری تحویل جامعه بدهند. در این نوشته نظر به بررسی وظایف والدین نسبت به کودک از نظر فقهی به طور مستقل نیست، بلکه وظایف والدین از نظر اخلاقی و تربیتی مانند انتخاب نام نیکو، تربیت اسلامی، آموزش امور دینی و قرآن، نیز مورد توجه و بررسی قرار می گیرد.

۵) مقاله با عنوان (وظایف فقهی والدین در «تربیت سیاسی» فرزندان با تأکید بر پرورش روحیه دفاع از مظلوم) این مقاله درصدد بررسی وظایف فقهی والدین در تربیت سیاسی فرزندان با تأکید بر پرورش روحیه دفاع از مظلوم می باشد. با توجه به آیات و روایات حمایت از مظلوم را تکلیفی بر عهده مؤمنان افراد قدرتمند جامعه دانسته و از گردن نهادن در مقابل آن نهی فرموده است. لذا والدین که مسئولیت تربیت فرزندان به عهده آنها است واجب است که در قسمت تربیت سیاسی فرزندان این امر روحیه دفاع از مظلوم را تقویت کنند زیرا والدین در نتیجه اعمال با آنها شریک اند.

در هیچ کدام از منابع مذکور به طور خاص به وظایف والدین در قبال فرزندان در هفت سال اول زندگی که مهم ترین بخش تربیتی هر انسان است؛ به صورت تطبیقی بین منابع اسلامی و نظریات روانشناسی پرداخته نشده است. بلکه اغلب، فقط نظریات اسلامی مد نظر قرار گرفته است. هدف این نوشتار علاوه بر بیان مباحث مذکور، بررسی تطبیقی وظایف والدین در قبال فرزندان (حقوق فرزندان) از منظر دین مبین اسلام و نظریات روانشناسی است. همچنین سعی شده است تا در عین اختصار، یک دید کلی تربیتی بر مبنای حقوق فرزندان، برای والدین دغدغه مند مسلمان ایجاد کند تا روند تربیتی آنان را مطابق دیدگاه اسلام و با یک طرح کلی قابل اجرا پی ریزی کند.

۱- حق حیات فرزند

الف) دیدگاه اسلامی

یکی از بدیهی‌ترین و اساسی‌ترین حقوق هر انسان، در هر مرحله از زندگی خود، حق حیات است. این موضوع، نه تنها در اسلام، بلکه در دیگر ادیان الهی و حتی در عرصه بین الملل، به عنوان یک حق فطری مطرح میشود. حق حیات نه تنها برای انسان بالغ، بلکه برای جنین نیز به رسمیت شناخته شده و والدین موظف به صیانت از آن هستند.^۱ قرآن کریم نیز در آیه ۳۱ سوره اسراء^۲ می‌فرماید: هرگز فرزندان خود را از ترس فقر به قتل مرسانید (زنده به گور مکنید) که ما رازق آنها و شما هستیم، زیرا این قتل فرزندان بسیار گناه بزرگی است.

با توجه به نظر علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، آیه شریفه از کشتن فرزندان به جهت ترس از فقر و احتیاج، شدیداً نهی کرده است. معنای آیه این است که فرزندان خود را از ترس این که مبادا دچار فقر و هلاکت شوید و به خاطر ایشان تن به گدائی دهید به قتل نرسانید، و دختران خود را از ترس اینکه گرفتار داماد بد شوید و یا اینکه به دلیل دیگری مایه آبروریزی شما شود نکشید زیرا این شما نیستید که روزی فرزندان تان را می‌دهید، تا در هنگام فقر و تنگدستی دیگر نتوانید روزی ایشان را برسانید، بلکه مائیم که هم ایشان و هم شما را روزی می‌دهیم، آری کشتن فرزندان خطائی است بزرگ.

همچنین علامه طباطبایی در پاسخ به افرادی که معتقدند فرزندکشی همان دخترکشی است که در عرب مرسوم بوده، بیان میکنند؛ این آیه درباره خصوص دخترکشی نیست. زیرا آیات مستقلی برای آن آمده است.

از آیه مورد بحث فهمیده می‌شود که اعراب غیر از مسئله دخترکشی، تحت یک سنت دیگری هون و خواری خود را حفظ می‌کردند، در واقع از ترس خواری و فقر فرزند خود را - چه دختر و چه پسر - می‌کشتند، و آیه مورد بحث و نظائر آن از این عمل نهی کرده است. آیه به خوبی نشان میدهد هر گونه ترس یا مسئله والدین، نمی‌تواند حق حیات فرزند را به خطر اندازد.

^۱ احمد ربانی خواه و فرشته بنی اعتماد « سقط جنین و حق حیات کودک از منظر قرآن و روایات »

^۲ «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا»

است. کودکی که در محیطی رشد می‌کند که در آن به انتخاب‌هایش احترام گذاشته می‌شود، کمتر نیازمند پاداش‌های بیرونی برای انجام کارهاست و بیشتر از درون برای یادگیری و پیشرفت انگیزه خواهد داشت. بنابراین، آزادی به‌صورت مستقیم بر رشد عزت‌نفس، مهارت حل مسئله و مسئولیت‌پذیری در آینده کودکان تأثیر می‌گذارد.^۷

۴_ بازی آزاد

بازی، مهم‌ترین جلوه‌ی آزادی در دوران کودکی است. در منابع روان‌شناسی رشد تأکید شده که بازی آزاد، یعنی بازی بدون ساختار رسمی یا هدف بیرونی تحمیلی، ابزار کلیدی رشد شناختی، اجتماعی و هیجانی کودک است. کودک در جریان بازی آزاد، نقش‌های اجتماعی را تمرین می‌کند، قوانین را می‌سازد و می‌آزماید، و احساس مالکیت بر تجربه‌ی خود دارد.

محروم کردن کودک از این نوع بازی، در واقع نوعی محروم‌سازی از فرصت تجربه‌ی آزادی و انتخاب است، و می‌تواند موجب کاهش انعطاف‌پذیری روانی و خلاقیت او شود.^۱

در هر دو منظر اسلام و روان‌شناسی، اصل آزادی کودک در سال‌های نخست زندگی، جایگاهی بنیادین در تربیت دارد. روان‌شناسی با تکیه بر نظریه‌های رشد شخصیت، آزادی را بستری برای تقویت عزت‌نفس، مسئولیت‌پذیری، و شکل‌گیری استقلال و عمق رابطه عاطفی با والدین می‌داند و پیامدهای محدودسازی کودک را در بزرگسالی تحلیل می‌کند.

در دیدگاه اسلامی نیز بر اصل آزادی کودک تأکید شده، اما این نگاه صرفاً به آثار تربیتی بسنده نمی‌کند، بلکه آزادی در این مرحله را به‌مثابه «حق الهی کودک» تلقی کرده و آن را مقدمه‌ای ضروری برای ورود به مراحل بعدی رشد، شامل بندگی، تعقل، و مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌داند. به بیان دیگر، در نگاه اسلامی آزادی صرفاً یک ابزار رشد روانی نیست، بلکه بخشی از یک نظام متعالی در مسیر رشد فطرت انسان است. در حالی که روان‌شناسی تمرکز خود را بر نتایج روانی و اجتماعی آزادی کودک معطوف می‌دارد، اسلام با نگاه غایت‌مدار، این آزادی را عنصری در خدمت رشد روحی، اخلاقی و الهی انسان می‌داند. همین تفاوت عمق نگاه، نشان‌دهنده

^۷Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The “what” and “why” of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11(4), 227–268.

^۱Berk, L. E. (2013). *Child Development* (9th ed.). Pearson Education

جامعیت بیشتر دیدگاه اسلامی در عین جزئی تر بودن دیدگاه روانشناسی در موضوع جایگاه آزادی در تربیت کودک است.

نتیجه گیری

هفت سال نخست زندگی کودک، دوران پایه‌ریزی شخصیت، عاطفه، شناخت و ارزش‌های رفتاری اوست. این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی وظایف والدین در قبال فرزندان در هفت سال اول زندگی، با مقایسه دو رویکرد اسلامی و روانشناسی انجام گرفت. با توجه به چالش‌های تربیتی نسل جدید که حاصل دگرگونی‌های بنیادین در سبک زندگی است، دستیابی به الگویی جامع و کارآمد برای راهنمایی والدین اهمیتی دوچندان دارد؛ الگویی که هم به نیازهای مادی و روانی کودک امروزی پاسخ دهد و هم او را در مسیر رشد معنوی، اخلاقی و انسانی هدایت کند.

تحقیق حاضر با این فرضیه آغاز شد که آموزه‌های اسلامی درباره وظایف والدین، جامع‌تر، عمیق‌تر و با نگاهی جامع‌نگر در رشد کودک است. با این حال، روان‌شناسی به‌عنوان دانشی نوین می‌تواند در فهم بهتر شرایط روز و تطبیق مصادیق جدید با آن آموزه‌های اسلامی، نقش مؤثری ایفا کند؛ به شرط آن‌که به‌عنوان ابزاری در خدمت مبانی اسلامی به کار گرفته شود، نه معیاری مستقل در برابر آن.

در زمینه حق حیات، هر دو دیدگاه بر مسئولیت والدین در حفظ جان و روان کودک تأکید دارند. اسلام این مسئولیت را به‌عنوان حقی الهی برای کودک می‌داند که والدین در برابر خداوند نسبت به آن پاسخگو هستند. در مقابل، روان‌شناسی آن را ضرورتی برای سلامت و تعادل روانی کودک در این جهان میداند. در محور حقوق پیش از تولد، اسلام با نگاهی عمیق، حقوق کودک را از پیش از انعقاد نطفه به رسمیت می‌شناسد و در زمینه‌هایی چون انتخاب همسر، نیت، تغذیه، سلامت روان مادر و آرامش روحی توصیه‌های دقیقی دارد. علم روان‌شناسی نیز اهمیت این دوران را از نظر علمی ثابت کرده، اما نگاه آن بیشتر مبتنی بر تجربه و داده‌های روان‌شناختی است تا تعهد دینی. در بحث حق آزادی، روان‌شناسی آزادی را عامل رشد شخصیت، استقلال و عزت‌نفس می‌داند و به دلیل مطالعه میدانی و مشاهده نتایج آزمایش‌های گوناگون بر منابع انسانی متعدد، دارای مصادیق وسیع و کاربردی است؛ در حالی که اسلام با تأکید بر محبت، بازی، احترام، آزادی را حق فرزند و زمینه ساز ولایت‌پذیری او در آینده معرفی می‌کند.

در مجموع، نتایج بررسی‌های انجام‌شده درباره حقوق فرزند در دو دیدگاه اسلام و روان‌شناسی نشان داد که نه تنها هیچ‌گونه تعارضی در اصل پذیرش و به رسمیت شناختن این حقوق وجود ندارد، بلکه این دو دیدگاه می‌توانند به‌مثابه دو رویکرد مکمل در کنار یکدیگر قرار گیرند. آموزه‌های اسلامی که متکی بر وحی و هدایت الهی‌اند، آنچه را به‌عنوان حقوق کودک تبیین کرده‌اند، علم روان‌شناسی با اتکا بر مطالعات تجربی، آزمون‌های میدانی و تحلیل‌های علمی، مورد تأیید و تصدیق قرار داده است. از این‌رو، می‌توان گفت در بسیاری از حوزه‌های تربیتی، این دو دیدگاه به‌جای تقابل، در مسیر تأیید و تکمیل یکدیگراند.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، کارآمدی عملی آموزه‌های اسلامی در حوزه تربیت کودک، در مقایسه با نتایج روان‌شناسی رشد، به‌صورت میدانی و کاربردی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، شایسته است در تحقیقات بعدی، به بررسی مواردی از تعارض یا اختلاف نظر میان این دو دیدگاه در موضوعات جزئی‌تر تربیتی پرداخته شود؛ زیرا برخی از این موارد، به دلیل گستردگی و پیچیدگی، خارج از ظرفیت مقاله حاضر بوده و نیازمند واکاوی تخصصی هستند.

فهرست منابع

کتاب‌ها

۱- قرآن کریم

۲- عباسی ولدی، محسن، من دیگر ما، جلد ۳، تهران: انتشارات آیین فطرت، چاپ سیزدهم، سال ۱۴۰۰ ش

۳- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ ش

۴- میخبر، سیما، ریحانه بهشتی، قم: انتشارات نور الزهرا (س)، ۱۳۸۲ ش

۵- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش

- ۶- کلینی، محمد بن یعقوب، **الكافي**، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش
- ۷- حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق
- ۸- طبرسی، میرزا حسین النوری، **مستدرک الوسائل**، بیروت، مکتب الاسلامیه، ۱۳۸۳ق
- ۹- طبرسی، حسن بن فضل، **مکارم الاخلاق**، انتشارات حبیب، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش
- ۱۰- مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق

11. Abraham Maslow, **A Theory of Human Motivation**,
.Psychological Review, Vol. 50, No. 4 (1943), pp. 370–396
12. Laura E. Berk, **Infants and Children: Prenatal through Middle**
.Childhood, 7th ed., Pearson Education, 2013
13. Eric J. Mash & David A. Wolfe, **Abnormal Child Psychology**, 6th
ed., Cengage Learning, 2016
14. Erikson, E. H. (1950). **Childhood and Society**
15. Bowlby, J. (1969). **Attachment and Loss: Vol.**
16. Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). **The “what” and “why” of goal**
pursuits: Human needs and the self-determination of behavior.
Psychological Inquiry, 11(4), 227–268
17. Berk, L. E. (2013). **Child Development** (9th ed.). Pearson
Education

مقالات

- ۱- احمد ربانی خواه و فرشته بنی اعتماد « سقط جنین و حق حیات کودک از منظر قرآن و روایات» دومین کنفرانس بین المللی حقوق کودک، ۱۲ آبان ۱۴۰۳
- ۲- مهدیه احمدی و مهنام سرحدی «بررسی تاثیر استرس و اضطراب در دوران بارداری بر سلامت مادر و نوزاد» کنگره دانشجویی پژوهشی سلامت باروری زنان، سال ۱۳۹۹

- ۳- سید قلعه، سید محمد حسین «تاثیرات تغذیه ی بارداری در رشد و تکامل جنین» چهارمین کنفرانس بین المللی پژوهش های کاربردی در علوم شیمی و زیست شناسی، سال ۱۳۹۶
- ۴- حسینیان، سیمین؛ یزدی، سمانه؛ افضلی، علی اکبر «اثربخشی آموزش تکنیک های دلبستگی پیش از زایمان بر افزایش دلبستگی مادر به جنین و سلامت روان زنان باردار» دانشگاه الزهرا(س)، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

سایت ها

1. balagh.ir
2. civilica.ir
3. azpezeshk.ir
4. avieft.com
5. migna.ir

مجلات

- ۱- مجله دیدار آشنا